

۱۶۷۴۹

مجله	مقالات و بررسیها
تاریخ نشر	۱۳۵۵
شماره	۲۵ - ۲۶
شماره مسلسل	
محل نشر	دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران
زبان	فارسی
نویسنده	مرتضی آیه الله زارده شیرازی
تعداد صفحات	۱۴ - (۲۲۴ - ۲۳۸)
موضوع	بررسی در منابع عمده کشف
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

۲

۲

یکی از معتبرترین منابع تفسیر قرآن میان
عامه و خاصه وارزنده‌ترین اثر باقیمانده اندیشه
معتزله که اغلب قریب به اتفاق مفسران تحت تأثیر
و نفوذ آن واقع شده‌اند تفسیر جامع وارزنده کشاف
زمخشری است .

علامه زمخشری خوارزمی ، این
دانشمند پرتوان ایرانی الاصل جهان اسلام آثاری
بجای گذارد که هر یک در فن خود منبع فیاضی
است که قدما و متأخران از آن سیراب گشته‌اند
یکی از آن آثار باقیه کتاب تفسیر او است که به حق
سزاوار است از زوایای متعدد و از نظر تأثیر بر روی
مفکران و مفسران اسلامی خصوصاً شیعی مورد
تعمق قرار گیرد .

در این مقاله آقای دکتر سید مرتضی
آیت الله زاده شیرازی دانشیار گروه فرهنگ
عربی و علوم قرآنی و سرپرست انتشارات دانشکده
الهیات در زمینه بررسی منابع عمده تفسیر
کشاف یعنی در یک جهت از زوایای کشاف تحقیق
کرده که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد .
« مقالات و بررسیها »

دکتر مرتضی آیت الله زاده شیرازی

گروه فرهنگ عربی و علوم قرآن

بررسی درمیانج عمده کشف

کمتر تفسیری میان تفاسیر عامه و خاصه می توان یافت که از نظر جامعیت و مرجعیت به اعتبار و پایه تفسیر کشف زمحشری بوده و در میان انبوه کتب تفسیر اینهمه معتبر باشد ، این تفسیر یکی از آثار جاوید جا را الله است که از زمان تألیف تا به امروز مرجع دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن است ، شروح و حواشی متعدد ، رد و انتقادهائی که بر این تفسیر شده خود نموداری از این اهمیت است .

اغلب قریب به اتفاق مفسران شیعی و سنی برای درک جنبه های بلاغی و ادبی قرآن از کشف مدد گرفته و می گیرند ، نام این کتاب که «الكشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل» می باشد تألیف آن به سال ۵۲۶ هـ ق درمکه آغاز شد و در ۵۲۸ هـ ق به اتمام رسید و مؤلف آن در مقدمه تفسیر می گوید : این تفسیر را در زمانی برابر بامدت خلافت ابوبکر به پایان رسانیدم ، حال آنکه کاری بود به مدت سی سال ، و همانگونه که در مقدمه می گوید ، طبق معمول و سنت قدما ، تألیف کتاب بدرخواست و الحاح گروهی از فضلاء - اهل عدل - معتزله انجام گرفته و آن را به نام ابو الحسن علی بن حمزة بن وهاس

امیر مکه تصدیق نموده است^۱.

دانشمندان اسلامی در ادوار مختلف در باره تفسیر کشاف متفق القول نبوده اند، گروهی آن را مدح نموده و گروهی دیگر به قدح آن پرداخته و بدعتش خوانده اند و دسته ای دیگر فارغ از این همه قیل و قال به تحشید و شرح آن پرداخته و بمنظور اراءى نحوه تفکر دانشمندان نسبت به این تفسیر مختصر گونهای از اقوال آنان را نقل می کنیم.

قمی (ت بعد از ۸۰۰ هـ ق) در تفسیر خود به نام «تفسیر نيسابوری» در مقام بیان استفاده از کشاف چنین گوید: «این تفسیر [تفسیر نيسابوری] جامع بسیاری از تفاسیر عمده می باشد از جمله مشتمل است بر قسمت اعظم از تفسیر کشاف و اکثر احادیث و وجوه قراءات نیز از کشاف زمخشری منقول است^۲».

ابن خلدون، (ت ۸۰۸ - ۷۳۲ هـ ق)، گوید: «ارزنده ترین تفسیر قرآن که بلاغت و اعجاز آن را در حد کمال بررسی کرده است همان تفسیر کشاف می باشد که مطالعه ای آن برای علماء ضرورت دارد. این تفسیر که از جهت نکات بیانی قرآن منحصر به خود بوده و از دیگر

۱ - زمخشری، تفسیر کشاف، مقدمه چاپ مصطفی الحلبي، قاهره،

۱۳۶۷ ۱۹۴۸ هـ م

۲ - سبکی، مبدأ النعم وئید النعم، ص ۱۱۴، ۱۱۵، چاپ لندن؛

قمی، تفسیر نيسابوری در حاشیه تفسیر طبری ج ۱ ص ۴۰۰.

تفاسیر گوی سبقت را رده است»^۳.

چون زمخشری در تفسیر خود از طریق تأویل آیات به دفاع از عقاید و افکار معتزله پرداخته و آیه‌های قرآن را با اصول کلامی معتزله تطبیق داده است سخت مورد انتقاد گروهی از دانشمندان و مفسران قرار گرفته است. و بیشتر ایشان یا اشعری مذهب بوده اند و با مخالفان اصول کلامی معتزله که زمخشری نیز در مناسبات مختلف آنان را مورد تاخت و تاز قرار داده و آراء آنها را تخطئه کرده است^۴. اما همین مخالفان سرسخت در برابر دانش و اندیشه‌ی زمخشری سر تعظیم فرود می‌آورده‌اند و سه بیت زیر خود نمونه‌ای از نحوه تفکر تعصب آمیز آنان می‌باشد:

عجباً لحبر فی البلاغة ذائق

علم الفصاحة فرده و مؤلفه

جمع المعانی والبیان مکشفاً

اسرار قرآن باکمل معرفه

واضله الله العظیم فزاع عن

سنن الصوب وحاد عند وحر فه

ابن تیمیه (ت. ۸۲۸ ه. ق) یکی از بزرگان علمای تسنن

۳- ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۸۳، ۳۸۴ چاپ مکتبه البهیه قاهره،

ابن خلکان، تاریخ ج ۱، ص ۴۸۶.

۴- ابن منیر اسکدرانی، تعلیقات بر تفسیر کشاف.

۵- قاضی عیاض، ازهار الریاض، ج ۳ ص ۲۹۱.

زمخشری را به سبب داشتن معتقدات اعتزالی سخت نکوهش می کند
و افکار وی را بدعت می خواند.^۶

تاج الدین ابو نصر عبدالوهاب سبکی، (ت، ۷۷۱ هـ ق)،
در آنجا که سخن از تفسیر کشاف به میان است، زمخشری را به سبب
داشتن معتقدات اعتزالی مورد انتقاد قرار داده و افکار وی را بدعت و
مطرود می داند، اما در عین حال نمی تواند منکر عظمت تفسیر وی شود
او می گوید: کشاف در زمینه تفسیر قرآن کتاب بسیار ارزنده
و مؤلف آن در فن خود پیشوا و مقتدا است اما او بدعتها آورده و متجاهر
به آنها است و نسبت به اهل تسنن و جماعت بی احترامی روا می دارد، لذا
بایستی تمام این حشوها از کشاف حذف شود، سپس سبکی می افزاید،
مخالف و موافق بر آنند که تفسیر کشاف دریایی است از علوم معقول
و منقول و در روزگار ما ایرانیان به خواندن آن اشتیاق فراوان از خود
نشان می دهند، و اما از پیران ما آن کسانی می توانند در آن بنگرند
که در استحکام عقیدت به پایداری باشند که شبهات قدریه آنان را از
راه راست منحرف سازد.^۷

معین الدین ایچی صفوی، (ت، ۹۰۵ هـ ق) در مقدمه تفسیر
خود به نام «جوامع التبیان» از این لحاظ زمخشری را مورد انتقاد
قرار می دهد که وی تفسیر به رای را بر تفسیر مآثور رجحان داده است

۶- حاجی خلیفه، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۲۸۴؛ ابن تیمیّه، مقدمه فی

اصول التفسیر.

۷- مبدأ النعم و مبدأ النقم، ص ۱۱۴؛ ۱۱۵ چاپ لیدن.

و نیز می‌افزاید: « زمخشری و پیروان وی از نقل معانی مأثور و منقول از رسول ﷺ و صحابه اعراض می‌ورزند^۸ .

محمد باقر خوانساری، (ولادت، ۱۲۲۶- فوت ۱۳۱۳ ه ق)

در کتاب « روضات الجنات » داستانی نقل می‌کند که: زمخشری پس از اتمام تفسیر، آن را نزد امام محمد غزالی می‌برد تا بر آن صحه گذارد، غزالی از جار الله می‌پرسد « ایاک نستعین » را چگونه تفسیر کرده‌ای؟

زمخشری می‌گوید: بنا بر تقدیم مفعول و افاده‌ی حصر. غزالی می‌گوید: تو از قشر یون هستی، زمخشری از این دیدار و ملاقات احساس ندامت می‌کند و بیرون می‌آید^۹. در مجموع بودن این داستان لازم نیست به خود زحمتی بدهیم زیرا غزالی در سال ۵۰۰ ه ق در گذشت و زمخشری تفسیر را در ۵۲۸ ه ق به پایان رسانید و ظاهراً مرحوم خوانساری را در این باره سهوی رخ داده است.

پس از این مقدمه به اصل موضوع، یعنی، بررسی منابع عمده تفسیر کشاف می‌پردازیم تا به بینیم زمخشری از چه منابعی الهام گرفته و تا حدود امکان وسعت فرهنگ و جهان بینی او برای ما روشن گردد. زمخشری به شیوه قدما به هنگام نقل مطالب به ذکر همه اجزاء نمی‌پرداخته است لذا در این جا بدان مقدار از منابع که کشف آنها میسر گردید اشاره می‌نماییم.

۸- سرکیس عواد، المعجم ج ۱، ص ۵۰۰، ۵۰۱.

۹- خوانساری، روضات الجنات، ص ۵۶۲ چاپ طهران.

۱- منابع قراءات :

أ - اجتهاد شخصی و گاه استناد به اقوال صحابه و تابعین و مصاحف

زیر بوده است :

ب - مصحف ، عبدالله بن مسعود ^{۱۰} .

ج - مصاحف مردم حجاز و شام و عراق ^{۱۱} .

د - مصحف ، ابی بن کعب ^{۱۲} .

ه - مصحف ، جرث بن سوید ^{۱۳} .

و - و برخی مصاحف دیگر که با عبارت « و فی بعض المصاحف »

بدانها اشاره می کند ^{۱۴} .

۲- منابع لغت و نحو :

أ - الكتاب سیبویه (ت ۱۸۹ هـ ق) که از آن بسیار نقل قول

می کند و با احترام از وی یاد می نماید ^{۱۵} .

ب - اصلاح المنطق ابن السکیت (ت ۲۴۴ هـ ق) و گاهی سخت

وی را مورد انتقاد قرار می دهد ^{۱۶} .

۱۰ - کشاف ، ج ۲ ص ۲۷۸ .

۱۱ - پیشین ، ج ۲ ص ۵۰ ، ج ۲ ص ۸۰ ، ج ۲ ص ۳۴۱ .

۱۲ - پیشین ، ج ۲ ص ۲۹۵ .

۱۳ - پیشین ، ج ۲ ص ۳۸۷ .

۱۴ - پیشین ، ج ۱ ص ۴۶۲ ، ۴۹۰ ، ۵۱۰ .

۱۵ - پیشین ، ج ۱ ص ۱۱۷ ، ۱۷۱ ، ۱۹۲ ، ۲۰۹ .

۱۶ - پیشین ، ج ۱ ص ۲۸۲ ، ۴۴۵ .

- ج - الكامل ، مبرد (ت ۳۸۵ هـ ق)^{۱۷} .
 د - المتمم در خط هجاء ، تألیف عبدالله بن درستویه (ت ، ۳۴۷ هـ ق)^{۱۸} .
 ه - کتاب الحجة ، ابوعلی فارسی (ت ۳۷۷ هـ ق)^{۱۹} .
 و - کتاب الحلیات ، ابوعلی فارسی^{۲۰} .
 ز - کتاب التمام ، ابن جنی (ت ۳۹۲ هـ ق)^{۲۱} .
 ح - کتاب المحتسب ، ابن جنی^{۲۲} .
 ط - کتاب الاقلید (مجهول)^{۲۳} .
 ی - التبیان ، ابو الفتح همدانی^{۲۴} .
 ک - وافرادی از قبیل کسائی ، یونس ، خلیل واصمعی وغیره^{۲۵} .

۳- منابع ادب :

أ - الحيوان جا حظ^{۲۶} .

- ۱۷- پیشین ، ج ۱ ص ۲۵۱ ، ج ۲ ص ۲۷۶ ، ۱۴۰ .
 ۱۸- همان ، ج ۱ ص ۲۷۶ .
 ۱۹- همان ، ج ۱ ص ۶۴ .
 ۲۰- همان ، ج ۱ ص ۲۶۰ .
 ۲۱- همان ، ج ۲ ص ۲۷۶ .
 ۲۲- همان ، ج ۲ ص ۲۹ .
 ۲۳- همان ، ج ۳ ص ۳۰۵ .
 ۲۴- همان ، ج ۳ ص ۱۳ .
 ۲۵- همان ، ج ۲ ص ۲۷۷ ، ۲۸۸ ، ۲۸۷ .
 ۲۶- کشف ، ج ۱ ص ۱۶۰ ، ج ۲ ص ۴۴۹ .

- ب - کتب تاریخ بدون نام ^{۲۷} .
 ج - دیوان ، زمخشری ^{۲۸} .
 د - نوائیح الکلم ، زمخشری ^{۲۹} .
 ه - نصابیح الصغار ، زمخشری ^{۳۰} .
 و - شافی ، العی زمخشری ^{۳۱} .
 ز - حماسه ، ابو تمام ^{۳۲} .
 ح - استغفر واستغفری ، ابوالعلاء ^{۳۳} .
 ط - ابن مقفع ، ابن المعتز و سایرین ^{۳۴} .
 ۴ - منابع فقه و حدیث :
 أ - صحیح ، مسلم ^{۳۵} .
 ب - سنن ، بوداود ^{۳۶} .

کمتر اتفاق می افتد که منابع حدیثی را در کشف ذکر کنند

- ۲۷ - همان ، ج ۳ ص ۴۱۳ .
 ۲۸ - همان ، ج ۱ ص ۲۶۰ .
 ۲۹ - همان ، ج ۱ ص ۲۹۷ .
 ۳۰ - همان ، ج ۱ ص ۲۶۸ .
 ۳۱ - همان ، ج ۱ ص ۳۷۶ .
 ۳۲ - همان ، ج ۲ ص ۴۳۰ .
 ۳۳ - همان ، ج ۱ ص ۴۶۶ .
 ۳۴ - همان ، ج ۲ ص ۳۱۲ ، ۴۵۰ .
 ۳۵ - کشف ، ج ۱ ص ۴۷ .
 ۳۶ - همان ، ج ۲ ص ۱۳۴ .

زیرا خود حامل اجازه بوده و از طریق خود آنها را روایت می کرده است اما منابع فقهی او علاوه بر اجتهادات شخصی غالباً به آراء شافعی و ابو حنیفه استناد می نمود است.^{۳۷}

۵- منابع تفسیر :

- أ - تفسیر «مجاهد» (ت ۱۰۴ هـ ق یا ۱۰۳) ^{۳۸}
 ب - تفسیر عمرو بن عبید معتزلی (ت ۱۴۴ هـ ق) ^{۳۹}
 ج - تفسیر قتاده ^{۴۰}
 د - نظام القرآن جاحظ (ت ۲۵۵ هـ ق) ^{۴۱}
 ه - تفسیر ابوبکر اصم معتزلی (ت ۲۳۵ هـ ق) ^{۴۲}
 و - تفسیر معانی القرآن زجاج (ت ۳۱۱ هـ ق) ^{۴۳}
 ز - تفسیر رمانی (ت ۳۸۲ هـ ق) ^{۴۴}
 ح - تفاسیر خوارج و دیگر فرق ^{۴۵}
 ط - تفاسیر صحابه امثال ابن عباس و علی رضی الله عنهما و حسن بصری ^{۴۶}

۳۷ - کشاف، ج ۲ ص ۲۳۰.

۳۸ - همان، ج ۳ ص ۶، ۱۴، ۱۳، ۸۰، ج ۲ ص ۵۸۲، ۵۹۱، ۲۸۲.

۳۹ - همان، ج ۲ ص ۱۳۸، ج ۱ ص ۵۷۲.

۴۰ - همان، مقدمه کشاف.

۴۱ - همان، مقدمه.

۴۲ - همان ج ۱ ص ۵۷.

۴۳ - در صفحات آیند از آن بحث می شود.

۴۴ - در صفحات آینده از آن گفتگو می کنیم.

۴۳ - همان، ج ۲ ص ۱۴۶.

۴۶ - همان، ج ۲ ص ۲۱۰، ۲۶۷.

اما عمده ترین مأخذ زمخشری برای تفسیر معانی لغوی قرآن تفسیر زجاج بوده است و میان تفسیر زجاج و کشاف زمخشری ویژه گیهای مشترک می بینیم که مسلماً در مقام مقایسه معلوم است که زمخشری از تفسیر زجاج بسیار بهره گرفته است.^{۴۷}

و نیز یکی دیگر از منابع مهم تفسیری کشاف، تفسیر رمانی می باشد، گرچه نسخه ی کاملی از آن در اختیار نداریم اما از آنجا که شیخ طوسی (ت ۴۶۰ هـ ق) در تفسیر «تبیان» بسیاری از اقوال رمانی را نقل کرده است می تواند حلقه ی مفقوده باشد که تقریباً حاوی اکثر تفسیر و آراء رمانی است.

بخش کتابهای خطی و میکروفیلم اتحادیه عرب در قاهره قسمتی از تفسیر رمانی را نگاهداری می کند که از روی نسخه قرن ششم هجری در مسجد الاقصی عکسبرداری شده است که شامل ۱۵۰ ورقه به قطع متوسط که آغاز و انجام آن ناقص است و با شماره (۱۶ - ۴۹۰) مشخص گردیده است.

در دارالکتب مصری تفسیری از جزء عمه موجود است که روی جلد آن با خطی جدید نام رمانی نوشته شده است که مسلماً خط مرحوم تیمور پاشا است. انتساب نسخه اتحادیه عرب به رمانی مسلم است اما انتساب نسخه دارالکتب مشکوک بنظر می رسد چون نسخه قبل برعکس

۴۷ - از این تفسیر فقط چهار جزء آن بدست آمده و در کتابخانه مخطوطات اتحادیه عرب موجود است از سوره یس شروع و با سوره التین ختم می شود و دارای ۲۰۱ ورقه است

نسخه دار الکتب با آراء و افکار معتزله مطابقت می نماید اما نسخه دار الکتب مطالبی علیه آنها دارد و ما می دانیم که رمانی یکی از بزرگان معتزله بوده است. ویکی از معاصرین نسبت جزء عمه را به رمانی مسلم دانسته و بتائجی نادرست از آن استنباط کرده است.^{۴۸}

و دیگر از تفاسیری که امکان دارد زمخشری بر آن آگاهی یافته باشد تفسیر «تبیان» طوسی است که از نظر سبک و روش کار مانند تفسیر رمانی می باشد و در آن از مباحث لغوی و بلاغی و کلامی و فقهی قرآن بحث میکنند و از آنجا که شیعه و معتزله در پاره‌ای از اصول عقاید با هم نزدیکی دارند هیچ مستبعد نیست که زمخشری از این کتاب استفاده کرده باشد و یا لاقلاً بگوئیم که طوسی و زمخشری هر دو از يك منبع یعنی تفسیر رمانی اقتباس کرده باشند.^{۴۹}

در خاتمه بمنظور اراءى گوشه‌ای از توجه دانشمندان به تفسیر کشف پاره‌ای از حواشی و تعلیقات و غیره که بر آن زده اند در ذیل می آوریم.

(۱) علی الطوسی (م ۵۶۱ هـ) مختصر کشف، جوامع الجوامع.

(۲) محمد بن علی الانصاری (م ۶۶۲ هـ) حذف موارد اعتزال.

(۳) ناصر الدین بیضاوی (م ۶۹۲ هـ).

۴۸ - مصطفی الصاوی الجوبینی، منهج الزمخشری فی تفسیر القرآن

ص ۸۶ چاپ ۱۹۵۹ مصر.

۴۹ - کشف، ج ۲ ص ۴۱۸: تبیان ج ۲ ص ۳۶۰.

- (۴) أحمد بن منیر اسکندرانى (م ۶۸۳ هـ) الانصاف .
- (۵) علم الدين عراقى (م ۷۰۴ هـ) الانصاف تلخیص بدرالدين محمد المقرئ معروف بالقاذفى (م ۷۰۵ هـ) .
- (۶) قطب الدين شیرازى (م ۷۱۰ هـ) حاشیه بر الكشاف .
- (۷) ابوعلی عمر سکونى (م ۷۱۷ هـ) ، (م ۷۲۰ هـ) ، نظام الدين نيسابورى .
- (۸) حاشیه شرف الدين الطیبى (م ۷۴۳ هـ) حاشیه درشش مجلد .
- (۹) أبوحنان اندلسى (م ۷۴۵ هـ) ردوانتقاد .
- (۱۰) حاشیه عمر فارسى قزوينى (م ۷۴۵ هـ) .
- (۱۱) احمد جاربردى (م ۷۴۶ هـ) حاشیه .
- (۱۲) تاج الدين احمد بن مکتوم (م ۷۴۹ هـ) تلخیص .
- (۱۳) فاضل الیمنى (م ۷۵۰ هـ) .
- (۱۴) جمال الدين عبدالله (م ۷۶۲ هـ) ، وتلخیص ابوالفضل بن حجر (م ۷۶۲ هـ) ، عبدالله الزیلعى حنفى (م ۷۶۲ هـ) .
- (۱۵) حاشیه قطب الدين تھتانی رازى (م ۷۶۶ هـ) .
- (۱۶) حاشیه علاء الدين معروف بیهلوان .
- (۱۷) حاشیه اکمل الدين البابرئى (م ۸۷۶ هـ) .
- (۱۸) حاشیه سعد الدين تفتازانى (م ۷۹۲ هـ) .
- (۱۹) حاشیه يوسف تبریزى (م ۸۰۴ هـ) .
- (۲۰) حاشیه شيخ الاسلام + سراج الدين + بلقینى (م ۸۰۵ هـ) .
- (۲۱) حاشیه سيدشريف جرجانى (م ۸۱۶ هـ) .

- (۲۲) شرح خطبه کشف فیروز آبادی (م ۱۱۷ هـ).
- (۲۳) حاشیه ولی الدین أبوزرعۀ عراقی (م ۱۲۰ هـ).
- (۲۴) علی المولی برهان الدین حیدرهروی (م ۱۳۰ هـ).
- (۲۵) حاشیه علاء الدین قوشجی (م ۱۷۹ هـ).
- (۲۶) حاشیه علاء الدین طوسی (م ۱۸۷ هـ).
- (۲۷) حاشیه احمد بن اسماعیل کوردانی (م ۱۹۲ هـ).
- (۲۸) حاشیه محیی الدین خطیب (م ۹۰۱ هـ).
- (۲۹) حاشیه شیخ الاسلام هروی معروف بد حفید (م ۹۰۶ هـ).
- (۳۰) تعلیقات شمس الدین - ابن کمال باشا (م ۹۴۰ هـ).
- (۳۱) تعلیقات خیر الدین عطوفی (م ۹۴۸ هـ).
- (۳۲) تلخیص عبد الاول شهیر بأم ولد (م ۹۵۰ هـ).
- (۳۳) حاشیه مهدی الشیرازی (م ۹۵۶ هـ).
- (۳۴) حاشیه ابوالسعود عماری (م ۹۸۲ هـ).
- (۳۵) تعلیقات صنع الله مفتی (م ۱۰۲۱ هـ).
- (۳۶) حاشیه حامد بن مطفی قاضی (م ۱۰۹۷ هـ).

تا همین جا مقالات را پایان می دهیم به امید آنکه اندک فایده‌ای
برای خوانندگان محترم دربر داشته باشد.

خلاصه ما جاء في المقال :

تفسیر الکشاف للعلامة جار الله الزمخشري من حيث قيمته التاريخية العلمية يعتبر كأثر فريد من ثروة فكرية للمعتزلة وهو يخافل بالكثير من الآراء والمصادر القيمة التي اعتمدها جار الله ورجع اليها ونقدها واطاف اليها .

والملاحظ ان الزمخشري في اغلب الامر لا يحفل بذكر المصادر التي استقى منها تفسيره و من اجل هذا ومن اجل الوقوف على الثروة العلمية وثقافته الغنية راينا ان نكشف ما امكننا عن هذه المصادر وقد جئنا في هذا المقال بمصادر اللغة والادب ، مصادر التفسير ومصادر النقد والحديث ومصادر القراءات وغير ذلك ما يوضح لنا الاتجاه الفكري والعقلي للزمخشري واطفت على ذلك ما كتبه العلماء من الهوامش والشرح على الكشاف بقدر الطاقة .

۱۶۷۴۹